

کرباس خاکستری

چگونه یک تخریب‌گر تبدیل به مشاور هنری می‌شود

در ستایش تخریب

علیرضا امیرحاجبی



■ رویدادهای حاشیه‌ای هنر هیچ‌گاه پایانی ندارد. گاه سرقت یک اثر هنری و گاه رکوردشکنی یک تابلو یا سقوط و شکست یا مجسمه نفیس. اما جدیدترین این رویدادها مربوط می‌شود به آسیب‌دیدگی تابلویی از «پابلو پیکاسو» به نام «زن نشسته بر روی صندلی قرمز» در موزه مینل هوستون آمریکا که در نوع خود جالب توجه است. این حادثه یک اقدام از پیش طراحی شده محسوب می‌شود. فردی ناشناس با یک اسبیری رنگ و یک شابلون پلاستیکی درست جلوی چشم بازدیدکنندگان به تابلو نقاشی پیکاسو نزدیک می‌شود، شابلون را روی اثر می‌گذارد و روی آن رنگ می‌پاشد. نتیجه چیزی نبود جز طرحی از یک گلوپاز در حال کشتن یک گاو و یک کلمه؛ «پروپوزی». مرد ناشناس به سرعت سالن را ترک می‌کند. تمام این ماجرا چیز حدود دوقیفه طول می‌کشد. خوشبختانه یکی از حاضران در سالن توانسته به وسیله تلفن همراه از کل این اقدام عجیب تصویربرداری و سپس آن را در شبکه اجتماعی یوتوب به اشتراک بگذارد. جالب اینکه هیچ کدام از دوربین‌های مداربسته موزه نتوانسته‌اند از این حرکت تصویری را ضبط کنند. این چندمین بار است که سارقان از خرابکاران توانسته‌اند از چنگ دوربین‌های امنیتی فرار کنند. مواردی چون سرقت آثار «دوآرد مونس» نقاش نروژی از موزه او در اسلو و نیز سرقت چند تابلو از موزه اورسی پاریس درست در برابر لنز دوربین‌های مداربسته اتفاق افتاده است.

پلیس هوستن تخریب این اثر هنری را به عنوان یک اقدام جنایی و شرورانه قلمداد می‌کند و تحقیقات خود را آغاز کرده است. مسوولان موزه پس از اطلاع از این

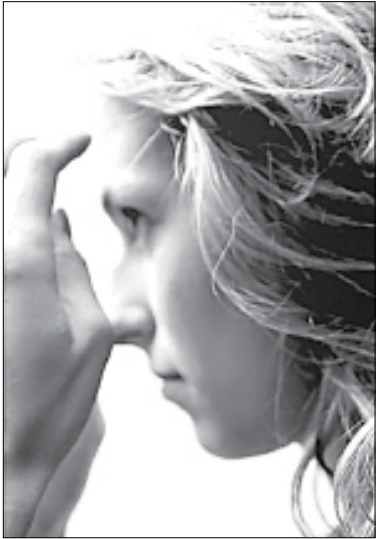


اقدام، تابلو را سریع‌با واحد آزمایشگاه مرمت موزه منتقل کرده‌اند. به گفته کارشناسان موزه، شانس مرمت این اثر بالاست. تابلوی مذکور از جمله اثر زن رنگ روغن پیکاسو است که در سال ۱۹۲۹ خلق و در ۱۹۵۶ توسط جان و دومینیک مینل خریداری شده‌است. پس از افتتاح موزه مینل این تابلو همراه با ۴ طراحی کافذی، یک مجسمه و صدتا اثر چاپی پیکاسو در ۱۹۸۷ مورد توجه و استقبال بازدیدکنندگان و کارشناسان قرار گرفت. موزه هنرهای مدرن نیویورک یکی از چند موزه‌است که تابه‌حال این تابلوی ارزشمند را به صورت امانی به نمایش گذاشته است.

اما نه پلیس و نه مسوولان موزه علت این خرابکاری را نمی‌دانند. آیا خرابکار از روی حسادت دست به چنین عملی زده؟ آیا وی به بیماری روانی «هذالیسم» دچار است؟ نوع اقدام این فرد حسد و گمان را از سمت وندال (خرابکار روانی) بودن وی دور می‌کند که اگر چنین بود رنگ را به کل تابلو می‌پاشید. این خرابکاری شباهت‌هایی به اقدام «تونی شافرازی» در ۱۹۷۴ دارد. خواندن داستان شافرازی برای ما ایرانیان حالی از لطف نیست.

شافرازی در آن سال با یک اسبیری رنگی روی «گوتونیکا» یکی از مشهورترین تابلوهای پیکاسو روی جملہ را می‌نویسد: «حتمی دروغ‌ها را نباید کن». وی درست یک روز قبل از این اقدام در نامه‌ای به تصمیم دادگاه جهت تبرئه و آزادکردن سروان ارتش «ولیم کالی» که متهم به جنایت در روستای مای لای ویتنام شده بود، اعتراض می‌کند و روز بعد با یک حرکت نمایشی شعار خود را روی تابلوی پیکاسو می‌نویسد. شافرازی کسی که در آن زمان خود یکی از کارکنان موزه هنرهای مدرن نیویورک بود، با این کار در صدر خبرهای هنری جهان قرار می‌گیرد. او کار خرید و فروش آثار هنری را آغاز می‌کند. داستان شافرازی به همین‌جا ختم نمی‌شود. وی یک سال بعد به عنوان مشاور هنری «موزه هنرهای معاصر تهران» و به دعوت «کامران دیبا» اولین رییس موزه هنرهای معاصر به تهران آمده و مشغول کار می‌شود. در عرض چهارسال مجموعه‌ای کهنظیر از آثار فرانسیس بیکن، اندی وارهول، روی لیختن اشتاین، جکسون پولاک و بسیاری دیگر از هنرمندان معاصر غربی که امروز تبدیل به بخشی از سرمایه‌های هنری ایران شده، توسط شافرازی خریداری و به ایران انتقال یافت. وی در چندین گفت‌وگو از ایران و هنرمعاصر آن زمان کشورمان تعریف می‌کند. شافرازی برای چندسال در تهران می‌ماند و گالری خود را تأسیس می‌کند اما پس از مدتی به نیویورک بازمی‌گردد و در حال حاضر ازجمله معتبرترین کلکسیونرها و گالری‌داران آمریکایی است که نامش در کنار نام‌هایی چون لنو کاستیلی و پل کوپر قرار گرفته است. گالری او در نیویورک دارای گنجینه‌ای بی‌نظیر از آثار فرانسیس بیکن انگلیسی و ولدی وارهول هنرمند سبک پاپ آثار است.

حال می‌توان به این نتیجه نسبی رسید که فرد خرابکار تابلوی پیکاسو در هوستون شاید یک هنرمند بی‌نام و نشان و از دوستداران پیکاسو بوده که بدین وسیله قصد داشته تا پیامی اعتراضی را به مخاطبان برساند.



پروژه نور دیده. هنرمند

■ با توجه به اینکه هر هنرمندی با ارایه اثر هنری قصد دارد صدای خودش را برساند؛ چرا شما برای ارایه اثر هنری به سمت بافته‌های روی آوردید؟

مونیکا زلتاس کینته: بافته‌ها و فنون آن برای ما چیز تازایی نیستند. ما هر دو از کارشناسان این زمینه هستیم و بالاترین درجه هنری لیتوانی را در این رشته داریم. ما در تمام جوانب بافته‌های معاصر، به‌صورت عملی مهارت کسب کرده‌ایم و در عین حال در مسیر بافته‌های تجربی و قدیمی لیتوانیایی گام بر نمی‌داریم؛ مسیری که در آن، بافته‌ها از نظر ظاهری از طریق نقوش پارچه مانند تزئین، بافت یا استعاره‌ای از طریق رقابت با گرمی و نرمی و پُرپُری و لطافت و خوش‌لمسی بافته‌ها به کمک راه‌های غیرسازجانه مورد تقلید قرار می‌گیرند. این راه‌ن «مولف» می‌نامند. هنرمندانی که به چنین فنی می‌رسند، از شیشه، سیم، کاغذ، پلاستیک و دیگر مواد غیرسازجایی بافته می‌سازند. در حال حاضر بافته‌ها برای ما به عنوان یک رسانه و به عنوان تأملیتی مجموعه‌ای از روش‌های مختلف بیان مطرح است. در لیتوانی دانشکده‌های مختلفی وجود دارد که رشته‌های تخصصی خودشان را به بافته‌ها اختصاص داده‌اند. ما در این نمایشگاه به جای نگاه کلاسیک با نگاهی مدرن و عمیق‌تر با بافته‌ها برخورد کرده‌ایم. در کشور لیتوانی مثل ایران هنر بافت یک هنر عمومی و ملی است. بافندگی، سنتی کهن است که ریشه در فرهنگ هنر و زندگی روزمره مردم دارد. اما امروز با توجه به تدریس این هنر در مدارس و دانشگاه‌ها این رشته هنری این روزها خیلی جدی‌تر دنبال می‌شود.

■ شما با مفهوم بافتن قصد دارید به چه موضوعی اشاره کنید؟

ایگناس کازکویچ: تاروپود استعاره‌فرهبی است برای سرنوشت بشر و امکان تغییر آن. با تولد، تازی به‌دست شما داده می‌شود که در طول زندگی می‌توانید پودی را از آن رد کنید، اما معمولاً این کار را دگمه‌ها و هنجارهای اطراف شما برایتان انجام می‌دهند، به این معنی که انتخاب شما از محیط و از ترس خود شما متأثر می‌شود و شما ترجیح می‌دهید چیزی را انتخاب کنید که آشنای شماست و شما به آن خو گرفته‌اید و از امتحان کردن چیزهای جدید و ناشناخته سرباز می‌زنید؛ چیزهایی که شاید بتوانند سرنوشت شما را تغییر دهند. اما بسیاری هستند که اصلاً به این موضوع بی‌اعتنا هستند و هیچ نقشی در سرنوشت خود ایفا نمی‌کنند و به کل خود را به دست سرنوشت سپرده‌اند.

برونه نوردس کینته: در فضای هنرمعاصر، بافته نمی‌تواند صرفاً یک بافته باشد، فرشینه هم نمی‌تواند صرف گره‌خوردگی تاروپودش باشد، سوزن‌دوزی و تکه‌دوزی اثری هنری است اما نه به‌موجب فنی که در آن به‌کار رفته. تکنیک، سبک، مواد و روش کار تنها، ابزاری هستند برای بازگویی داستان‌هایی که حاضران

علی فراستی

استاد دانشگاه ایالتی کالیفرنیا



روز دوشنبه ۱۵ خرداد «انجمن غیرانتفاعی ایرانیان لس آنجلس» میزبان نقاش و هنرمند ایرانی، «علی فرامرزی» بود. انجمن غیرانتفاعی ایرانیان لس آنجلس واقع در شهر متونیکالست که متوجه‌های دانشجویان جلدست آموزش و فرهنگی حول موضوعات متنوع برای ایرانیان مقیم لس آنجلس برگزار می‌کند. حضور علی فرامرزی در این شهر به منظور برگزاری نمایشگاه نقاشی در گالری سیحون فرصتی فراهم کرد تا دهه‌ا نفر از هنردوستان و علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر ایران‌زمین به سخنان علی فرامرزی در مورد تاریخ و سیر تحول نقاشی معاصر در ایران توجه کرده و پرسش‌های خود را مطرح کنند.

جلسه سخنرانی با نمایش مستندی از زندگی و فعالیت‌های هنری فرامرزی آغاز شد. این مستند در وبسایت ایشان نیز قابل رویت است. فرامرزی سخنان خود را با نگاهی به تاریخ و تحول سبک نقاشی مینیاتور در زمان صفوی آغاز کرد و گفت: «قاشی مینیاتور اساساً برای صفحه‌آرایی کتب شعر و ادبیات به‌کار می‌رفت و در ابعاد بسیار کوچک کشیده می‌شد. موضوع آنها بیشتر سوز‌های مذهبی و حماسی بود. به دلیل اینکه مینیاتور حالت دوبعدی داشت تمام صفحه به یک اندازه نورپردازی می‌شد و تماماً روشن و یکسان بود. چهره‌ها و آرایش صفحه هم،سطح بوده و عمق نداشت. دلیل آن این بود که نشانسان مینیاتور با سایه‌روشن و پرسپکتیو آشنایی نداشتند. کم‌کم به اعزام برخی نقاشان به اروپا و مسافرت دیپلمات‌ها و به همراه آنها نقاشان به ایران، سبک مینیاتور متحول شد و با ساختن بناهایی مثل عالی‌قاپو و چهلستون، نقاشی مینیاتور از کتب خارج شده و بر دیوار کاخ‌ها و بناهای درباری نقش بست. از

تجسمی



مونیکا زلتاس کینته/ هنرمند

هنرمندان «لیتوانی» در گفت‌وگو با «شرق»:

شناخت غربی‌ها از هنر امروز ایران است

مریم آموسا

چندی پیش نمایشگاه چیدمان هنرمندان لیتوانیایی با عنوان «خودآبی» با نمایشگاه گردانی حجت امانی و «ایگناس کازکویچ» و با حضور «مونیکا زلتاس کینته» و «برونه نوردس کیه» و «ایگناس کازکویچ» از کشور لیتوانی در موسسه صبا برپا شد. پیش‌تر حجت امانی هنرمند نقاش و عکاس چیدمانی به دعوت مرکز مطالعات و فرهنگ و هنر نمایشگاهی در کشور لیتوانی برپا کرد. اما این برای نخستین بار است که آثار هنرمندان لیتوانی در ایران به نمایش درمی‌آید و بهمن‌ماه نیز قرار است با نمایشگاه گردانی «حجت امانی» و «ایگناس کازکویچ» نمایشگاهی از آثار هنرمندان ایرانی در لیتوانی برپا شود. مجموعه خودآبی هنرمندان لیتوانی از بخش‌های مستقلی تشکیل شده است که مهم‌ترین آن چیدمانی با عنوان «برابری همگان» نام دارد. پروژه متشکل از چندین بخش مستقل است که یکی از این بخش‌ها با بهره‌گیری از تکنیک‌های بافندگی و برگ‌رفته از فرش‌های ایرانی توسط این هنرمندان ارایه شده است. همزمان با حضور هنرمندان لیتوانی گفت‌وگویی با آنها ترتیب داده شده است.

■ از وراي این چیدمان که با بهره‌گیری از لباس مرگ و تولد به وجود آمده است شما چه هدفی را دنبال کرده‌اید؟

برونه نوردس کیه: در لیتوانی برای هر دوره زندگی لباسی خاص وجود دارد و هدف ما از برپایی این چیدمان این است که بگوییم همان‌طور که همه ما در زمان تولد و مرگ لباسی یکسان می‌پوشیم و من از زمان تولد و مرگ با هم یکسان هستیم پس باید به اصل وجود توجه کنیم و از آن دور نشویم.

■ چه شد که تصمیم گرفتید در یکی از چیدمان‌ها تان از موتیف فرش ایرانی بهره بگیرید؟

برونه نوردس کیه: موتیف اصلی این کار فرش ایرانی است. فرش ایرانی به عنوان یک هنر در شرق و غرب شناخته شده است و من از این موتیف دربرخی از بافته‌هایم همچون قطعه موسیقی که تکرار می‌شود، استفاده کرده‌ام. بخشی از هدف من برای استفاده از این موتیف این بود که با تکرار یک ملودی (موتیف) هارمونی تغییر می‌کند و این تغییر برای همه افراد قابل فهم است و می‌تواند تصویر متأسفانه جهان به سمتی رفته که بیابورد. با ایجاد بعد در این بافته‌ها تصمیم دارم که در فرش ایرانی و شرقی ساختار شکنی کنم و نگاه‌ها را نسبت به این هنر تغییر بدهم که یک فرش تنها جنبه کاربردی برای مصارف خانگی و تزئینی از نظر تابلو برخوردار نیست بلکه می‌توان از جنبه‌های بصری دیگری نیز به آن نگاه کرد. در نگاه کلی فرش ایرانی دو بعد دارد قسمتی که زیباست و روی کار محسوب می‌شود و قسمتی که پشت کار است و گره دارد.

فرش ایرانی از نظر تزئینی، همواره مورد توجه بوده است و بی‌شک باید خلق گویان در قرن ۱۸ رانیز متأثر از فرش‌بافی ایرانی بدانیم. هر چند که قابلیت آنها با هم اصلاً قابل قیاس نیست. برای استفاده از موتیف فرش در این بافته چیزی که برای ما مهم است این است که از امکانات دو روی فرش

نکته

در جهان با هنر قدیمی و سنتی ایران آشنا هستند، اما شناخت کمی از هنر معاصر ایران دارند. متأسفانه جهان به سمتی رفته که همه اخبار سیاسی را دنبال می‌کنند و در چنین شرایطی اخبار فرهنگی همواره تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد



ایگناس کازکویچ/ مستند و نمایشگاه گردان

استفاده کنیم و امکان جدیدی نیز به این موتیف اضافه کنیم. ■ آیا برای خلق بافته‌ها به تکنولوژی هم توجه دارید؟

برونه نوردس کیه: بله. برای خلق بافته‌ها، تکنولوژی نقش مهمی را ایفا می‌کند البته در برخی از موارد برای خلق بافته‌ها از روش‌های سنتی پیروی می‌کنیم، اما اگر نیاز باشد بی‌شک از تکنولوژی نیز بهره می‌گیریم. چنانچه استفاده از تکنولوژی در این رشته هنری بسیار کارآمد و سودبخش است.

■ چرا شما برای ارایه اثر هنری تان به چیدمان اقبال نشان داده‌اید؟

ایگناس کازکویچ: کار ما بستگی به مکانی دارد که در آن به نمایش گذاشته می‌شود و ببینند چیدمان ما هر بار، متفاوت به نظر می‌رسد. ما به‌دنبال آثیم تا با آگاهی به کشور‌های بسیاری از زمینه‌های فرهنگی و اوضاع اجتماعی و بیان فرهنگ هنرپذیری متفاوت سفر کنیم، ما همواره برآنیم تا ببینند را با ببینند دیگری مواجه کنیم که درون چیدمان‌مان در فضای نمایشگاه حضورا، تا به بخشی از چیدمان تبدیل شود و در نتیجه برچسب‌ها و عناوین را تکثیر کند. فضای نمایشگاه این امکان را میسر می‌کند که ببینند در تماس با ببینند دیگر قرارگیرد. این خیلی مهم‌تر از آن است که وی صرفاً در جست‌وجوی اثر هنری باشد. در عین حال موجب تأکید بر ایده بسالویی بصری می‌شود. ارجاع امروز ما به هنر بافته به عنوان یکی از حوزه‌های قابل لعطف‌ا و بصری هنر است که با ببینند ارتباط برقرار می‌کند. امروزه از هنر بافندگی می‌توان به‌مثابه نرمش‌پذیرترین فرم و لمسیدنی‌ترین دیدنی هنری استفاده کرد که با مخاطب چنان رابطه می‌سازد که وی حتی از آن باخبر هم نمی‌شود.

■ در جهان چقدر هنر ایران را می‌شناسند؟

ایگناس کازکویچ: به نظر من در جهان با هنر قدیمی و سنتی ایران آشنا هستند، اما شناخت کمی از هنر معاصر ایران دارند. متأسفانه جهان به سمتی رفته که همه اخبار سیاسی را دنبال می‌کنند و در چنین شرایطی اخبار فرهنگی همواره تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و گاه نادیده انگاشته می‌شود یا وجود برپایی حراج‌های متعددی که در این سال‌ها در منطقه و غرب بارپا شده است که اتفاقاً هنر مدرن هم در این حراج‌ها ارایه شده اما این همه شناخت غربی‌ها از هنر امروز ایران سطحی و ناچیز است.

■ آیا همکاری شما با حجت امانی ادامه پیدا خواهد کرد؟

من و آقای امانی قصد داریم که در سال آینده یک پروژه مشترک را با حضور سه هنرمند دیگر برگزار کنیم که امیدوارم آن نیز با موفقیت به انجام برسد. همچنین در بهمن‌ماه سال‌جاری قصد داریم که نمایشگاهی متشکل از آثار هنرمندان ایرانی با نمایشگاه گردانی من و آقای امانی در لیتوانی برپا کنیم که تاکنون این نمایشگاه از سوی هنرمندان ایرانی با استقبال خوبی روبرو شده است.

شناخته‌شده و رایج نبود. بنابراین در اروپا با اختراع دوربین و اینکه عکس می‌توانست عمق یک صحنه را با سایه روشن به تصویر بکشد، نقاشی در واکنش به آن به سمت امپرسیونیسم رفت ولی در ایران عکس باعث کمک به نقاشان و تعمیق سبک نقاشی رئالیسم شد. نقاشان ایرانی به رقابت با عکس پرداخته و سعی می‌کردند هرچه بیشتر نقاشی‌ها را با واقعیت فاصله دهند. فرامرزی ادامه داد: «دوربین عکاسی به مناسبت چند پس از اختراع توسط ارامنه ایرانی و قفقازی وارد ایران شد و ناصرالدین‌شاه تا آن حد شیفته این تکنولوژی جدید شد که خودش به عکس گرفتن از داخل حرم‌سرا پرداخت. عکس‌های شیشه‌ای گرفته‌شده توسط ناصرالدین‌شاه چند سال قبل در زیرزمین کاخ گلستان کشف شد که حاوی عکس‌های زنان ناصرالدین‌شاه است که فقط خود او مجاز به گرفتن آنها بوده است.» به گفته وی اعزام «کمال‌الملک» به اروپا در زمان ناصرالدین شاه باعث شد که وی با سبک پرتره و نقاشی رئالیسم اروپایی به خوبی آشنا شود آن هم در زمانی که اروپا به سرعت به سمت سبک امپرسیونیسم می‌رفت. کمال‌الملک پس از بازگشت به ایران و افتتاح مدرسه مستظرفه به آموزش تعداد زیادی نقاش مبادرت کرد که هر یک از آنها در ترویج هنر نقاشی و عمومی کردن آن در جامعه نقش بسزایی ایفا کردند. با کناره‌گیری کمال‌الملک، مدرسه مستظرفه توسط چند نفر از شاگردان وی اداره شد ولی به مرور رو به افول گذشت. فرامرزی سپس به تأثیر تحولات اجتماعی بر نقاشی اشاره کرد و از نقش انقلاب مشروطه در تحول فرهنگی سخن گفت و افزود: «معمولاً شعر، موسیقی و ادبیات خیلی سریع به تحولات اجتماعی پاسخ می‌دهند ولی نقاشی با تأخیر عکس‌العمل نشان می‌دهد. پس از شهریور ۱۳۲۰ نوعی نقاشی عدالت‌گرایانه در ایران رایج شد که متأثر از شرایط سیاسی خاص آن دوران بود.»

ادامه در صفحه ۱۲

مکعب سفید

به بهانه برپایی نمایشگاه «از گذشته تا آینده» در گالری دی

رویش‌ها و ریش‌ها

پرویز براتی



■ چند صبحی است گالری‌های تهران از جمله گلستان و دی نمایشگاه‌هایی بر پا می‌کنند که به نوعی «تاریخ مختصر هنرهای مدرن» در ایران هستند. گالری گلستان با «صد اثر صد هنرمند» قرار است از جمعه نهم تیرماه نمایشگاه دیرینه خود را برپا کند و گالری دی هم این روزها میزبان نمایشگاهی از آثار هنرمندان معاصر ایران به عنوان «از گذشته تا آینده» شده است. به نمایشگاه «صد اثر صد هنرمند» گالری گلستان در هفته‌های آینده بیشتر می‌پردازیم – از آن رو که سابقه‌ای ۲۱ساله دارد و در این دیار، دوام یک نمایشگاه آن هم به مدت ۲۱سال از عجایب است. این‌جا تمرکزمان روی نمایشگاه «از گذشته تا آینده» با مدیریت و نمایشگاه گردانی فریال سلحشور است. سلحشور – که همراه با دکتر جهانگیر کارزونی زوج هنرپوری را تشکیل می‌دهند – هر سال نمایشگاهی با عنوان «از گذشته تا آینده» در گالری دی برپا می‌کند که طی آن آثار هنرمندان جوان را در کنار آثار نسل قدیم‌تر به نمایش می‌گذارد. وارد گالری که می‌شویم آثار هنرمندان جوان جلب توجه می‌کنند؛ به‌خصوص آثار هنرمندانی چون حسین چراغچی، عاده فرزین‌فر، محمد طباطبایی، علیرضا ملک‌جعفری، ششیرین پیلووری، سعید احمدزاده، مهدی راحمی، اردشیر ساسانی، لیلا ویسمه، علیرضا سعادت‌مندی‌الهام یزدانیان، زهره‌آخوان، داریوش مهاجر، هادی قوی‌نسب و پری‌دخت مشکرا. اصفاقانی نمی‌توان از برخی تابلوها بی‌تفاوت گذشت. طی سال‌های اخیر جریان مهمی در نقاشی معاصر ایران از سوی جوانان



شکل گرفته که هرچند در آینده ریش‌هایی خواهد داشت، اما باید به آن امیدوار بود و رویش‌هایی را در سال‌های آتی موجب خواهد شد. این هنرمندان اغلب متعلق به نسل‌های بعد از انقلاب هستند و برخی از آنها طی چند سال اخیر با گالری دی و دیگر گالری‌ها همکاری داشته‌اند.

گاهی این نگرانی بوده و هست که وجه تزئینی، شوخ و دلپذیر آثار جوانان بر هنر رسمی غلبه کند؛ اما به هر حال هنرمندان جوان ما اگرچه ظاهر کارشان شوخ است اما کارشان کاملاً جدی است و نسبت خود را با جهان اطرافشان تعیین می‌کنند. آنها در آثارشان اعلام می‌کنند که در کجای جهان ایستاده‌اند. جایگاه کنونی نسل جوان بی‌شک مرهون برنامه‌ریزی‌های موزه هنرهای معاصر تهران در زمینه هنر جدید (در سال‌های آغازین دهه ۸۰) و تشویق جوانانی است که به هنر جدید پرداخته‌اند. این یکی از عواملی بود که هنرمندان جوان بسیاری را سمت کانسپچوال آرت، اینستالیشن، پاپ آرت و... کشاند و آنان از این رهگذر کارهای در خور تحسینی آفریدند. هنرمندان امروز ما می‌توانند در حوزه کار خود آثاری را ارایه کنند

و به جز هنر جدید که مخرج آن بیشتر است، در دیگر حوزه‌ها با مخرج جدید اندکی به اتمام می‌رسد و این امتیاز برای نسل جوان نقاش ماست که زمینه‌ای برای کار کردن آنها فراهم است. برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های مختلف از جمله «صد اثر صد هنرمند» و «از گذشته تا آینده» گویای فراهم بودن زمینه کار کردن برای نسل جوان است.

در حال در نمایشگاه «از گذشته تا آینده» در بخش پیشکسوتان آثاری از بهجت صدر، بهمن محمص، جعفر روح‌بخش، اردشیر محمص، منیر فرمانفرمایان، محسن وزیری مقدم، حسین زند‌وردی، ابوالقاسم سعیدی، مسعود عرش‌شاهی، لیلی متین‌دفتری، فریده لاشایی، هانیبال‌الخاص، گیزلا سینیایی، ابراهیم حقیقی، علی نصیر و عین‌الدین صادقرزاده روی دیوار رفته است. کارموش کنیم که در این نمایشگاه آثار حدود ۴۱هنرمند به نمایش گذاشته شده و بنابراین نام بردن از همگی آنها کار راحتی نیست. بنابراین همین‌جا اگر اسمی از قلم افتاده، عذر می‌خواهیم. گالری دی قیمت‌گذاری این آثار را به صورت توافقی با هنرمندان در نظر گرفته است. قیمت‌گذاری‌ها به‌مچون گذشته به صورت توافق با هنرمندان و مجموعه‌داران به شکلی معقول و منطقی صورت گرفته است. در این دوره از نمایشگاه «از گذشته تا آینده» یکی نقاشی‌های بسیار زیبای «ابوالقاسم سعیدی» از مجموعه درختان او مربوط به دهه ۵۰ به نمایش در آمده که در کنار مجموعه آثار چاپی «حسین زند‌وردی» که تاکنون دیده نشده‌اند، آثار ویژه این نمایشگاه را تشکیل می‌دهند. این نمایشگاه با ۱۶ تیرماه ادامه دارد و علاقه‌مندان می‌توانند برای بازدید از آن به پایین‌تر از فرهنگسرای نیواران، ابتدای پاسداران، تنگستان چهارم، کوچه ناز یک، بن‌بست ترانه، شماره سه مراجعه کنند.